



معرفی بنای مسجد جامع شیخ کبیر مجومرد (مسجد ریگ)

غلامرضا هاتفی مجومرد^۱

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

مسجد ریگ مجومرد، از نوع مساجد یک ایوانی و تاریخ ساخت آن سال ۸۴۸ ه.ق. است. این مسجد دارای صحن، ایوان، گنبدخانه و شبستان‌های جانبی است. در قسمت غربی مسجد، سنگ قبرهایی وجود دارد که یکی از آن‌ها مربوط به بانی مسجد، حاجی کمال‌الدین و دیگری مقبره فرزندش حاجی جمال‌الدین محمود بن حاجی کمال‌الدین عیسی بن جلال‌الدین محمود است. بر روی سنگ قبر حاجی کمال‌الدین، کاشی‌های مسدس قرار دارد و در حاشیه آن با خط نسخ خوش، ابیاتی کتابت شده است؛ هم‌چنین سنگ قبر حاجی جمال‌الدین با کاشی معرق و به خط نسخ، مزین به اسامی مبارک دوازده امام است؛ در حاشیه سطوح آن آیت‌الکرسی و در وسط گل و بوته، جمله لاله‌الاله و محمد رسول‌الله کتابت شده. در بقعه ضلع جنوبی گنبد، آرامگاه‌هایی وجود دارد که برخی دارای کاشی‌های الوان قدیمی است. این بنا متعلق به دوران تیموری، قرن نهم هجری قمری است و به شماره ۲۴۰۳ به ثبت رسیده است. پژوهش حاضر به معرفی بنای تاریخی مسجد ریگ مجومرد، متعلق به دوران تیموری، قرن نهم هجری قمری می‌پردازد. این تحقیق به روش کیفی، از نوع تحلیلی - توصیفی، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته و برای گردآوری اطلاعات از متن - خوانی و فیش‌برداری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: مسجد ریگ، شهر مجومرد، زیارتگاه یزد، اسفنجرد.

محیط طبیعی

به طور کلی، شرایط آب و هوایی که در استان یزد و دشت یزد - اردکان حاکم است، به شدت خشک و کویری است. میزان نزولات جوئی اندک همراه با تبخیر بسیار شدید، رطوبت نسبی ناچیز توأم با گرمای زیاد و نوسانات شدید درجه حرارت باعث شده که استان یزد به صورت یکی از خشک‌ترین مناطق کویری ایران درآید. آب و هوای این استان، تابع سیستم شرایط آب و هوای فلات مرکزی ایران است و شرایط محلی نیز دگرگونی‌هایی در آن ایجاد نموده است. میزان نزولات جوئی در استان به طور متوسط بالغ بر هشتاد میلی‌متر و ریزش نزولات جوی در زمستان و بهار است که طبق معمول، فلات ایران از پاییز شروع می‌شود.

آب و هوا، مجموعه‌ای از شرایط غالب جو در یک منطقه است که با مشاهدات و اندازه‌گیری‌های فراوانی و در مدت زمان طولانی به دست می‌آید. در طبقه‌بندی اقلیمی کوپن - آب و هوای این منطقه از نوع بیابانی و خشک است. ویژگی این نوع آب و هوا کمبود بارش و خشکی هوا در فصل گرم است. در بین تعاریف متعدد از آب و هوای خشک، ساده‌ترین تعریف شاید این باشد که در آب و هوای خشک، رطوبت خاک برای رشد درخت کافی نیست (قبادیان، ۱۳۶۱: ۳۳).

آب و هوای این منطقه، در نواحی دشتی و چاله‌ها به علت نزولات جوئی اندک همراه با تبخیر شدید، نوسانات شدید درجه حرارت و گرمای زیاد، گرم و خشک است. میزان بارندگی عبارت است از: ۶۰ درصد بارندگی سالانه در فصل زمستان، ۲۳ درصد در فصل بهار و ۱۷ درصد در فصل پاییز؛ فصل تابستان نیز فاقد بارندگی است.

یکی از عوامل مهم فرسایش در مناطق خشک و نیمه‌خشک، جریان باد است. وزش بادهای شدید یکی از مخاطرات طبیعی این منطقه به شمار می‌رود. جهت وزش بادهای منطقه، غربی شرقی و بالعکس است که در بیشتر ایام سال جریان دارد. باد غربی را باد اصفهانی و باد شرقی را باد کرمانی می‌گویند. دوره‌های طوفانی در طول سال طولانی است. شمار این روزها به چهل تا شصت روز در سال می‌رسد، زمان وزش این بادهای بیشتر از اواخر اسفند تا اوایل خردادماه است که در این مدت فرسایش بادی سبب به وجود آمدن



۱۰۴

سال اول، شماره ۴
زمستان ۱۳۹۸

معرفی بنای مسجد جامع شیخ کبیر محمود (مسجد ریگ)

توده‌های عظیم شن می‌شود که دائماً در حال حرکت‌اند. جهت وزش بادهای، در شش ماه بهار و تابستان از شمال غرب، از آبان تا بهمن، در جهت جنوب شرق و در مهر و اسفند از غرب است (همان: ۳۸).

عصر تیموری

در تاریخ معماری اسلامی، مساجد به دلیل بهره‌مندی از مشخصه‌های ویژه‌ای همچون مطرح بودن به عنوان نقطه کانونی گسترش شهرها و روستاها و مهمترین رکن مذهبی جامعه مسلمان، همواره تأثیرات شگرفی بر مشخصات معماری، سبک‌شناختی، شکل‌گیری و چگونگی گسترش مجموعه‌های شهری و معماری داشته‌اند. از این‌رو، ویژگی‌های اساسی معماری و شاخص‌ترین آثار هر عصر، عمدتاً در این بناها ظهور و بروز می‌یافته است. بدیهی است که واکاوی و مطالعه دقیق این آثار، در روشن شدن این موارد اهمیت انکارناپذیر دارد. «دوره تیموری عصر شکوفایی انواع هنرها به ویژه معماری در تاریخ ایران است که طی آن از یکسو ابداعات و پیشرفت‌های دوره‌های قبل تکامل یافت و از سوی دیگر زمینه‌ای مطلوب برای پیشرفت هنر و معماری عصر صفویان مهیا شد. مهمترین مساعادت تیموریان در عالم معماری، متعلق به تزئینات بنای مساجد با مضامین و مفاهیم شیعی بود که تا پیش از آن هرگز چنین اهمیت و برجستگی ای نیافته بود» (عطاردی، ۱۳۷۱: ۷۱۰).

استفاده از نقش‌مایه‌های خوش‌قواره و طراحی‌های متمرکز بر کاشی‌های لعابی و معرق مساجد در کنار کتیبه‌هایی با خطوط کوفی و ثلث، از مهمترین مصادیق تزئینی در مساجد عصر تیموری است. استفاده از خطاطی در کاشی‌کاری بنای مساجد با توجه به اسماء الهی، آیات قرآن و احادیث و روایات، از فضایل دوره تیموری شمرده می‌شود.

اهمیت خاص دوره تیموریان در تاریخ ایران، بیشتر به دلیل تحولات فکری، مذهبی و فرهنگی است. کوچاندن هنرمندان و صنعتگران و به ویژه معماران در این دوره از سایر مناطق ایران به خراسان و ماوراءالنهر، باعث تحول سبک هنر و معماری در خراسان پس از یک دوره فترت شد. این کوچ در دوره تیمور، با توسل به زور انجام شد، ولی به روزگار فرمانروایی شاهرخ و دیگر امرای تیموری، مرکزیت یافتن خراسان و ماوراءالنهر، به لحاظ فرهنگی و اقتصادی، باعث کوچ خودخواسته هنرمندان به این منطقه بود. در این دوره،



اعضای خاندان سلطنتی و مأموران عالی رتبه دولتی در امور عام‌المنفعه پیش قدم بودند و بانی ساخت بناهای شگرف و زیبای معماری به خصوص در مساجد این دوره می‌شدند (رضازاده اردبیلی، ۱۳۹۷: ۵۵).

شهر کهنه اسفنجرد

اسفنجرد، اسفنجریه، اسفنججود، شهر کهنه یا اسکندریه مهمترین واحد جمعیتی، کانون مدنیت و شهرنشینی در این منطقه بوده است. به گواهی تاریخ‌نویسان، آن زمانی که اسفنجرد آباد بود؛ هیچ یک از آبادی‌ها و مراکز جمعیتی فعلی یا وجود نداشت یا از اهمیت چندان و قابل توجهی برخوردار نبود.

آغاز و زوال اسفنجرد را در تاریخ دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد. سید عبدالعظیم پویا در کتاب زندان اسکندر از نگاهی دیگر به نقل از کتاب هفت کشور، چنین می‌نویسد: «... وقتی اسفندیار پسر گرشاسب در دامن زاج (زارچ) کوه و کنار کاسه‌رود، چند روز مقام ساخت و بنیاد شهری فرمود و آن را اسفندیار نام کرد [که آن را] اسفنججود می‌خوانند و بعضی [قسمت‌های آن] ریگ گرفته است و مقدار سه چهار فرسنگ طول و عرض آن ریگ‌ها و تل است و آن را ریگ دیر خوانند. وی می‌فزاید این شهر اسفندیار یا اسفنججود هفت کشور با توجه به همانندی اسامی و نشانه‌های جغرافیایی همان است که نویسنده تاریخ یزد در قرن نهم به نام روستای اسفنجرد نزدیک مجومرد از آن یاد کرده است» (پویا، ۱۳۶۸: ۳۱).

در مورد پایان کار اسفنجرد نیز تاریخ‌نویسان مطلبی بیان نموده‌اند، ولی در تاریخ جدید یزد و جامع مفیدی ذیل معرفی عزآباد چنین آمده است: «عزالدین لنگر، حسب فرمان سلطان سنجر به امر اتابکی دختران امیر فرامرز در سنه ۵۹۰ در یزد به فرمانروایی نشست و در سنه ۶۰۰ هجری قنات خشکیده اسفنجرد را احیاء و در شش فرسنگی یزد، دهی ساخت و آن را به نام خود عزآباد نام کرد» (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۷۴۱).

مؤلف جامع جعفری، اسفنجرد را در عصر صفویه کاملاً متروکه ذکر می‌کند که خرابه‌های آن به جاست؛ ولی به استناد این دو متن تاریخی، حیات اسفنجرد حداقل به قرن ششم و قبل از آن بازمی‌گردد. هرچند اطلاعات بیشتری در مورد محل دقیق اسفنجرد، نحوه زندگی مردم و شخصیت‌های این شهر در دست نیست و تنها در کتاب‌های تاریخی یزد که عمدتاً به قرن





هشتم و بعد از آن مربوط است؛ اندک اطلاعاتی موجود می‌باشد.

جامع مفیدی در رابطه با اسفنجرد و عزآباد چنین می‌نویسد: «موضعی بوده در نهایت آبادی و قلعه‌ای به غایت استحکام و معموری؛ مجاوران و متوطنانش در کمال پرهیزکاری؛ حضرت شیخ ربّانی و قطب صمدانی شیخ فخرالدین احمد که آوازه کراماتش از شرق به غرب رسیده، اسفنجردی الاصل بوده و به سببی از اسباب آن موضع خراب و مجاوران متفرق شده‌اند و میاه آن را به قریه عزآباد آورده و الحال شرب می‌نمایند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۷۴۱).

منوچهر ستوده در تعلیقاتش بر کتاب مذکور، معتقد است: «کلمه اسفنجرد باید شکل اسفنجرد باشد که خود مخفف کلمه اسفندیارجرد است، یعنی شهری که اسفندیار ساخته است. بر اساس متون برجای مانده می‌توان گفت که این روستا در دوران قبل از اسلام بنا گردیده است. قدیمی‌ترین نامی که از این روستا باقی مانده، مربوط به سال ۶۲۷ هجری قمری است. این نام مربوط به سنگ‌قبری است که در بقعه دوازده امام شهر یزد نصب بوده است. این سنگ دارای ابعاد ۹۸ در ۶۰ سانتی‌متر و مربوط به فخرالدین اسفنجردی هست. بر روی این سنگ این عبارات نقر شده است: حاشیه اول «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (انبیا/۳۵).

حاشیه دوم، نام دوازده امام است.

حاشیه سوم، کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ. متن: «هذا قبر شیخ ربّانی ولی الله الوالی بایزید الوقت فخرالملة والدین ... الاسفنجردی قدس الله روحه، توفی فی عشرين محرم سنه سبع و عشرين و ستمائه» (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۷۲۰).

به عقیده استاد ایرج افشار این سنگ متعلق به یکی از عارفان بزرگ به نام شیخ احمد فهادان هست. (افشار، ج ۲، ۱۳۷۴: ۳۱۵). این عارف بزرگ از اهالی روستای اسفنجرد بود که به همراه برادر خود شیخ محمد، به شهر یزد مهاجرت کرده و در محله فهادان ساکن می‌گردند. شیخ احمد در سال ۶۲۷ قمری و شیخ محمد در سال ۶۳۵ ه.ق. وفات می‌یابد که هر دوی آنها را در بقعه شیخ احمد فهادان دفن می‌کنند (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۷۲۰).

در احوالات شیخ احمد و برادرش که اسفنجردی الاصل بوده‌اند، در تاریخ مفیدی آمده

است که: «صاحب جمع اسفنجرد به غایت ظالم بود و رعایای آن ده از او در زحمت بودند. شیخ احمد او را نصیحت کرد تا با بندگان خدا آسانی کن تا خدای بر تو آسانی کند. آن صاحب از سر لجاج گفت سخن تو نمی شنوم؛ با خدا بگو که جان مرا بستاند، اگر راست می گویی. شیخ دست به دعا برداشت و گفت: خدایا جانش بستان. آن صاحب جمع در زمان بیفتاد و جان داد و مردم بسیار مرید ایشان شدند و خلایق ولایات روی بدیشان آوردند. ایشان از دست مردم به شهر آمدند و در کوچه فهادان مُقام کردند و در شهر نیز مردم بسیار مرید ایشان شدند و اکنون در همین محل مدفون اند.» (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۷۲۱).

در مسجد جامع یزد نیز چندین مقبره وجود دارد که دو تکه از سنگ قبر خاکی رنگ مربوط به فردی به نام تقی الدین حسن الاسفنجردی است و مطالبی به خط نسخ بر روی آن نقر گردیده و آنچه از متن باقی مانده چنین است: «هذا مرقد الشیخ الربانی ولی الله الوالی جنید الوقت فخر المله و تقی المله والدین حسن الاسفنجردی» متأسفانه در هیچ کدام از متون محلی یزد از این شخص نامی دیده نمی شود؛ ولی از سنگ قبر و نوشته های آن چنین بر می آید که فرد مذکور یکی از عارفان بزرگ زمان خود و از اهالی روستای اسفنجرد بوده است (افشار، ج ۲، ۱۳۷۴: ۳۱۵). بنا به نقل جامعه مفیدی، این روستا در دوره صفویه بنا به دلایلی متروک شده بود که پس از متروک شدن، آب قنات آن را در روستای عزآباد مصرف می کردند (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۷۲۰).

ایرج افشار، تاریخ نویس معاصر، اسفنجرد را در ۲۵ کیلومتری شمال غرب یزد می داند و جامع مفیدی آن را در ریگ عزآباد مقام کرده است. برخی تپه های شنی حد فاصل مجومرد و اشکذر فعلی و گروهی آن را همان ۴ ده باستانی رستاق می پندارند (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۳۱۶).

عبدالعظیم پویا در این باره می نویسد: «محوطه شهر کهنه امروز در ۲۰ کیلومتری یزد بر دست غربی جاده اصلی یزد - میبد و محل دوراهی طبس واقع است. علی آباد رستاق در شرق و مجومرد و جعفرآباد در جنوب این محوطه جای دارد» (پویا، ۱۳۶۸: ۳۱)؛ ولی آنچه مسلم است و از شواهد و قرائن تاریخی و اسناد مکتوب بر می آید اسفنجرد در حوزه وسیعی از چرخاب کنونی در غرب تا علی آباد در شرق و اشکذر در جنوب تا عزآباد در شمال قرار داشته است که موارد ذیل دلایلی بر اثبات این مدعاست:



۱- مسیر و جهت بادهای کویری منطقه بیشتر از سوی جنوب غرب به سمت شمال شرق است و هجوم شن‌های روان در این قسمت حدّ فاصل چرخاب فعلی تا همّت‌آباد وسعت و دامنه بیشتری داشته و دارد.

«در سال‌های اخیر دولت برای جلوگیری از امر فرسایش بادی و پیش‌روی شن‌های روان، در سراسر منطقه، اقدام به نهال‌کاری، بذرپاشی و مالچ‌پاشی برای کویرزدایی نموده که این اقدامات، نتیجه بسیار مؤثری برای جلوگیری از حرکت ماسه‌های روان و نابودی روستاها و مساعد نمودن آب و هوای منطقه داشته است» (سیفی، ۱۳۷۴: ۴۷).

۲- احیاء قنات خشکیده اسفنجرد و آوردن آب آن به عزآباد فعلی دلیل دیگری است که اسفنجرد می‌بایست در ضلع جنوبی یا جنوب غربی عزآباد امروزی باشد؛ زیرا به گفته کارشناسان محلی، برای احیاء یک قنات خشکیده نمی‌توان آب آن را در بالادست جاری ساخت؛ بلکه حدّ اقل فرسنگی باید مسیر قنات را به سمت شیب زمین ادامه داد تا آب قنات دوباره جاری شود و همان گونه که می‌دانید شیب زمین در دشت یزد - اردکان به سمت شمال است.

۳- مسیر آخرین قنات عزآباد فعلی که در سال ۴۵ خشک شده نیز از شمال به جنوب از میان شرف‌آباد؛ صحرای همّت‌آباد؛ بیابان بالادست همّت‌آباد؛ غرب مسجد ریگ و اشکذر به سمت مادر چاه خود واقع در خیرآباد است (پویا، ۱۳۶۸: ۳۱).

مجمورد

مجمورد نیز از جمله استقرارهایی است که نام آن از قرن هشتم هجری قمری در متون ذکر شده است (جامع الخیرات، ۱۳۴۱: ۱۸۴). در تواریخ محلی مسطور است که سید رکن‌الدین علاوه بر احداث خانقاه در ابرندآباد و اشکذر، خانقاهی را نیز در مجمورد احداث می‌کند و وقفیاتی را برای آن مشخص کرد که قسمتی از این وقفیات در خود مجمورد قرار داشته است (جعفری، ۱۳۴۵: ۱۱۰). قسمتی از سهم قنات و اراضی آن نیز بر خانقاه عقدا و مدرسه شمسیه وقف بوده است. (جعفری، ۱۳۴۵: ۱۳۱). یکی از ویژگی‌های مهمّ مجمورد نسبت به استقرارهای دیگر، فرارگیری آن در کنار شاهراه کاروانی ری - کرمان است که پس از نایین به عقدا و سپس به مید و از آنجا به منطقه رستاق مجمورد و اشکذر می‌رسد و از آنجا به



ابرنندآباد و به یزد می‌رسد (جعفری، ۱۳۴۵: ۳۵).

رستاق، چنانکه گفته شد، در معرض حرکت دائمی ریگ‌های روان قرار دارد به گونه‌ای که پاره‌ای از آبادی‌های آن از جمله قسمت‌هایی از اشکذر و مجومرد زیر لایه‌های ریگ مدفون شده است؛ قنات‌های آن آبادی‌ها یا کور شده یا در آبادی‌های پایین‌تر مورد استفاده قرار گرفته، مانند قنات مجومرد که پس از بلنداب شدن آبادی‌ها در مناطق پایین‌تر یعنی عزآباد و شرف‌آباد مورد بهره‌برداری قرار گرفت و کل منطقه در تهاجم ریگ مغلوب شد و بسیاری از بناهای آن در زیر ریگ مانده‌اند و تنها پاره‌ای از بناها که بلندتر یا در موقعیت مناسب‌تری بوده‌اند سر از ریگ بیرون آورده و بعدها توسط اهالی و سپس اهل فن شناسایی و تخلیه شده و این جریان همچنان ادامه دارد. شکل بنا به گونه ایست که حتی اگر مسجد هم نامیده شود، احتمالاً بنای خانقاهی است.

علامه دهخدا در لغت‌نامه ذیل مجومرد آورده:

«از آبادی‌های قدیم یزد است که سید رکن‌الدین، بنا به ثبت جامع الخیرات و ذکر مؤلف تاریخ جدید یزد در آنجا خانقاهی بنا کرده بوده است. ولی اکنون از آن آثار نشانی بجا نیست، بمانند بسیاری از آثار دیگر» (دهخدا، ۱۳۳۴: ذیل مجومرد).

مسجد ریگ از جمله آثار تاریخی است که در نزدیکی آن قرار دارد. بر اساس کتیبه‌ای که در این مسجد وجود دارد، این مسجد دارای تاریخ ۸۴۸ هـ ق است که در سال ۱۳۷۰ هـ ش. از زیر شن بیرون آورده شده است. بانی مسجد حاجی کمال‌الدین بوده است و قبر او با قبر فرزندش حاجی جمال‌الدین محمود بن حاجی کمال‌الدین عیسی بن جلال‌الدین محمود در کنار یکدیگر قرار دارند (زارع‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۲).

ایرج افشار و علی‌اکبر قلمسیاه در کتاب «یزد در سفرنامه‌ها» تحت عنوان گشتی در یزد، آن را مسجد جامع نامیده و می‌گویند: «شب به یزد آمدم و در منزل خویشی آرمیدیم. صبح به‌سوی مجومرد که در راه تهران است، حرکت کردیم. مجومرد بر چهار فرسخی شهر است. در سفر پیش، نتوانستیم مسجد جامع قدیم آن را به علت دفن شدن در زیر ریگ روان و منفرد ماندن در بیابان مشاهده کنیم. از انجمن آثار ملی درخواست شده بود که وسیله خالی کردن این مسجد و بقعه چسبیده بدان را که دارای کاشی‌کاری بوده است، فراهم کنند. چون



انجمن چنین خرجی را به عهده گرفته بود به آنجا رفتیم که عکس برداریم و آثار بازمانده را ثبت و ضبط بنماییم. رفتیم و دیدیم. بانی و فرزندش در چهارطاقی متصل به مسجد دفن شده‌اند. قبر آن‌ها که به کاشی معرق و با کتیبه‌های نفیس پوشیده شده بوده است، بر اثر هجوم ریگ در زیرخاک بوده و سرگنبد، نشانه‌ای که سبب پیدایش این بنای مدفون شده از میان دیگر بناهای اطراف شده است.» (افشار و قلمسیاه، ۱۳۷۳: ۲۲۸۰).



مسجد ریگ

مسجد ریگ یا مسجد کبیر، یعنی مسجد جامع قدیم که از آثار قرن نهم هجری قمری است و به علت هجوم ریگ زمان طولانی زیر شن مدفون بوده ولی چند سالی است که از زیر شن بیرون آورده شده است. در اطراف این مسجد تپه‌های ماسه‌ای فراوان دیده می‌شود. به فاصله کمی از این مسجد بقایای آثار دیوار و خانه‌های بسیار قدیمی به صورت مخروبه

وجود دارد.

www.SID.ir



صحن مسجد که زیر گنبد قرار دارد، مربعی است به اندازه شش در شش متر و از طرف مغرب به بقعه‌ای که متصل به مسجد است راه داشته است. در این بقعه چند قبر با کاشی‌کاری در زیر ریگ و آوار گنبد مدفون گردیده بوده است. منطقه‌ای که زیر ریگ مدفون شده است؛ حتی از قرن هفتم و هشتم هم ریگزار بود و نقاط اطراف آن را شهر کهنه» می‌نامیدند که نیازمند پژوهش‌های باستان‌شناسی است.



۱۱۲

سال اول، شماره ۴
زمستان ۱۳۹۸

معرفی بنای مسجد جامع شیخ کبیر محمود (مسجد ریگ)

محراب این مسجد با کاشی کاری معرّق تزئین شده و آثار مختصری از کاشی کاری معرّق باقی مانده است. ایرج افشار در کتاب «یادگارهای یزد» درخصوص این اثر می گوید: «از مطالب مذکور در کاشی های مقبره اصلی معلوم شد که بانی مسجد همین شخص است که در بقعه مدفون است و فرزندش را هم بعداً در کنار او به خاک سپرده اند. شرح کتیبه های دو قبر از سه قبر بقعه چنین است:

قبر حاجی کمال الدّین بانی احتمالی مسجد که در وسط بقعه قرار دارد و قسمت هایی از کاشی کاری بدنه قبر بر جای مانده است. در دور بدنه به خط خوش بر کاشی معرّق اییاتی نوشته شده است که با همکاری منوچهر ستوده چنین خوانده شد.

سمت غرب:

شد ز دنیا سوی بهشت برین
آنکه او ساخت مسجدی جامع
مسجدی در محلّه او پرداخت

خواجه حاجی کمال مله و دین
که از آن هست نور حق لامع
که ز خلدبرین کسش شناخت

سمت شرق:

عطا
سمت جنوب:

نماند نام و نشان

هم سَجَل های وام داران سُست
وقفها کرد گوسفند و زمین
مصنعه ساخت پر ز آب زلال
دو شب از شنبه ربیع نخست

هم ره و رسم نامداران جست
ساخت حمام یزد ماء معین
روضه ماء نهرها سلسال
گر بیستم حساب درست

سمت شمال:

رفت در سال هشتصد و چهل و هشت

۲- قبر حاجی جمال الدّین محمود بن حاجی کمال الدّین عیسی بن جلال الدّین محمود که

در سمت چپ و جنب دیوار شرقی است، به اندازه ۶۸ در ۲۲۰ سانتی متر و به ارتفاع ۵۵



سانتی متر است که بر دوره آن به کاشی معرق و به خط نسخ دوازده امام و بر حاشیه سطوح آن آیه الکرسی و در دنباله اش «صَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْكَرِيمُ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَتَقَدَّسَ جَلَّ جَلَّالُهُ وَعَمَّ نَوَالُهُ وَعَظُمَ شَأْنُهُ» و در وسط گل و بته «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» کتابه شده است. بالای سر این قبر، در پیشانی مستطیل به اندازه ۱۳۵ در ۸۷، کتیبه معرق به خط نسخ نصب بوده است که از جا کنده شده و به زمین افتاده و قسمت‌هایی هم از آن شکسته و متفرق شده و متن آن چنین است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ حَقًّا. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ. أَجَابَ دَعْوَةَ الْمَلِكِ الْغَفُورِ وَالنَّقَلِ مِنْ دَارِ الْغُرُورِ إِلَى رَوْضَةِ الْإِنْسِ وَالْحَبُورِ، الصَّاحِبِ الْكَامِلِ الْأَعْظَمِ السَّعِيدِ الْمَغْفُورِ وَ الصَّادِقِ الْبَازِلِ الْحَمِيدِ وَالْمَبْرُورِ، أَسُوءَ الْأَمَاجِدِ الْكَرَامِ زَايِرُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، الْوَصَلُ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْوَدُودِ خَوَاجَهُ جَمَالَ الدُّوَلَةِ وَالِدَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّاحِبِ الْأَمَجَدِ الْأَفْخَمِ مِنْبَعِ الْبِرِّ وَاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ جَامِعِ الْمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَرَاضِي الشَّيْمِ مَفْخَرِ حُجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ وَالْحَرَمِينَ الْخَوَاجَةَ حَاجِي كَمَالَ الدُّوَلَةِ وَالِدَيْنِ حُسَيْنِ بْنِ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ الْإِكْمَلِ الْأَقْدَامِ الْمَرْحُومِ السَّعِيدِ الشَّهِيدِ الْفَائِزِ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَعْبُودِ الشَّيْخِ جَلَالِ الدُّوَلَةِ وَالِدَيْنِ مُحَمَّدِ طَيْبِ اللَّهِ تَرَاهُ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ فِي غُرَّةٍ مُحَرَّمِ الْحَرَامِ لِسَنَةِ ثَمَانٍ وَسَبْعِينَ وَثَمَانِهِ.» (افشار، ۱۳۷۴: ۱۴۴).



۱۱۴

سال اول، شماره ۴
زمستان ۱۳۹۸

معرفی بنای مسجد جامع شیخ کبیر مجومرد (مسجد ریگ)



شایان ذکر است، چند سال قبل با اجرای طرح بازسازی مسجد، بقعه‌ای پیدا شد که در آن ۲۳ قبر کاشی کاری شده نمایان شد که همگی بدون تاریخ است. در اطراف مسجد هنوز بناهای خشتی وجود دارد که در زیر شن مدفون گردیده و اخیراً با همت اداره سازمان میراث فرهنگی منطقه خاک‌برداری و تعمیر شده است.

این مسجد با شماره ۲۴۰۲ مورخ ۱۳۸۷/۵/۴ با تلاش سازمان میراث فرهنگی یزد در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



shabestan.ir

Photo: Mohammad Khoramabadi



۱۱۶

سال اول، شماره ۴
زمستان ۱۳۹۸

معرفی بنای مسجد جامع شیخ کبیر محمود (مسجد ریگ)

سخن آخر

یکی از سنت‌های رایج در میان مردم این منطقه که به نحو بارزی به منظور ابراز علاقه نسبت به خاندان عصمت و طهارت صورت می‌گیرد، مراسم سوگواری ایام محرم و صفر در این مسجد است که به اشکال سینه‌زنی، زنجیرزنی، حرکت دادن علم‌ها و تعزیه‌خوانی انجام می‌شود.

در برخی از ایام هفته، به خصوص روز پنجشنبه مردم بنا بر اعتقاد و عقیده‌ای که به این مکان مقدس دارند، مراسم دعای کمیل و روضه‌خوانی برپا کرده و نذرهایی می‌پزند و بین زوار توزیع می‌کنند و همین طور در اینجا به برپایی نماز جماعت می‌پردازند. کوتاه‌سخن آنکه یاورها و اعتقادات صحیح می‌تواند امید و معنویت را بین مردم تقویت کند، به شرط این که با خرافات آمیخته نشود، باید رسوم صحیح را تقویت کرد و با خرافات به هر شیوه ممکن به مبارزه پرداخت.



منابع و مآخذ

- افشار، ایرج (۱۳۷۴)، **یادگارهای یزد**، جلد ۱، یزد: انجمن آثار و مفاخر یزد.
- پویا، سید عبدالعظیم (۱۳۶۸)، **زندان اسکندر از نگاهی دیگر**، یزد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری، سیدحسین محمد (۱۳۷۳)، **تشیع در مسیر تاریخ**، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴)، **لغت‌نامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیق‌پذیری تزیینات متبرکه»، **نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی**، دوره ۲۳، شماره ۱: ۵۵.
- زارع‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، **شهرستان صدوق در یک نگاه**، یزد: انتشارات هیرسا.
- سیفی، عزیزالله (۱۳۷۴)، «تأثیر متقابل شهر اشکذر با حومه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱)، **تاریخ آستان قدس رضوی**، جلد ۲، تهران: عطارد.
- قبادیان، عطاءالله (۱۳۶۱)، **سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسائل کویری**، دانشگاه جندی‌شاپور، دانشکده کشاورزی، اهواز.
- قلمسیاه، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، **یزد در سفرنامه‌ها**، یزد: انتشارات یزد.
- مستوفی‌باقفی، محمدمفید (۱۳۴۰)، **جامع مفیدی**، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.





Rig Majomard Mosque known as Sheikh Kabir

Golamreza Hatefi majomerd

Abstract

Rig Majomard Mosque was buried under flowing sand until 1370 AH. It is a kind of one-porch mosque whose construction dates back to 848 AH. It has a courtyard, a porch, a dome and side naves. To the west part of the mosque, there are tombstones, one of which belongs to the founder of the mosque, Haji Kamal al-Din, and the other is the tomb of his son Haji Jamal al-Din Mahmud ibn Haji Kamal al-Din Isa ibn Jalaluddin Mahmud. On the tombstone of Haji Kamal al-Din, the tiles of the mosque and its margins are inscribed with beautiful Naskh script, and also on the tombstone of Haji Jamal al-Din with mosaic tiles and in Naskh script, the blessed names of the twelve Imams. On the margins of Ayatollah Al-Kursi. In the middle of the flowers, one read there is no god but Allah, and Muhammad, the Messenger of God. In the tomb to the south of the dome, there are other tombs, some of which have old colored tiles. This building belongs to the Timurid period, the ninth century AH, and has been registered under number 2403.

Keywords: Rig Mosque, Majomard, Yazd, Pilgrimage, Sponge, Flowing Sand